

در محاصره یک کمین سیاسی

فواد عبداللهی

ناز و کرشمه جمهوری اسلامی و دولت آمریکا بر سر بازگشت به برجام در واپسین لحظات خود بسر می‌برد؛ مصالحه طرفین مذاکره با یکدیگر هرچه که باشد اما یک نکته حائز اهمیت است که مختصات این دوره را معلوم می‌کند و در رسانه‌ها و نقطه نظرات مفسرین رسمی، طرفداران و منتقدین رسمی جمهوری اسلامی و یا در افت و خیزهای منحنی «مذاکرات» منعکس می‌شود. جامعه ایران از دیماه ۹۶ به این سمت، گرد و خاک وعده‌های این و آن جناح یا این و آن رئیس دولت را از تن خود تکانده است. از برجام دوره روحانی تا مذاکرات اخیر مولفه‌ای اساسی وارد صحنه تحولات سیاسی ایران شده است که خواب راحت را از بند و بست بورژوازی ایران و حاکمیت آن در بالا گرفته است. این مولفه چیزی نیست جز یک مولفه داخلی در ایران، یعنی عروج طبقه کارگر و مردم پرتوقع که با عبور از هر دو جناح جمهوری اسلامی، سیمای وضعیت جدید را ترسیم می‌کند. ... صفحه ۲



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست
بهارستی ۴۲۱

۱۸ اوت ۲۰۲۲ - ۲۷ مرداد ۱۴۰۱

کمک مالی و اعتصابیون هفت تپه

مصطفی اسدپور صفحه ۲

جامعه ای در حال اعتراض برای تغییر بنیادین

سهند حسینی صفحه ۴

زنان در افغانستان در سنگر اول جدال بر سر آزادی و برابری اطلاعیه حزب حکمتیست (خطر رسمی)

به بهانه ۲۸ مرداد، سائروز حمله به کردستان

محمد فتاحی

از فتوای خمینی برای حمله به کردستان در سال ۱۳۵۸ پیش از چهار دهه می‌گذرد. آن فتوا و آن حمله سرتاسری، با پاسخ آهنین و توده ای مردم در کردستان روبرو شد. نتیجتاً به فاصله زمانی بسیار کوتاهی، اولین نرمش قهرمانانه در تاریخ را به جناب «امام» تحمیل کرد. ... صفحه ۳



اطلاعیه های حزب حکمتیست (خطر رسمی)

در مورد حمله تروریستی به سلمان رشدی

قمه کشی یکی از مهره های
منفور سلفی در مریوان

مگر نظام «پادشاهی» هیچوقت از ایران رفته است؟! فواد عبداللهی صفحه ۵

آزادی برابری حکومت کارگری

کارگران راست میگویند و افسوس!

مصطفی اسپدور



مباحث اخیر درباره چگونگی کمکهای مالی به اعتصاب یا سلسله اعتصاب های اخیر نیشکر هفت تپه نمک بر زخم کهنه جنبش کارگری ایران میپاشد. فرض بر این است که حملات، پاپوش و اتهام متوجه اعتصابیون و دست اندرکاران اعتصاب شده است و امروز چهره های سرشناس از اعتصاب در واکنش نشان میدهند و هر گونه دریافت کمک مالی و حتی هر گونه تصمیم برای اقدام در این مورد را تکذیب میکنند.

این مباحثات قبل از هر چیز برای طبقه کارگر ایران و برای اعتصاب شوش آن ناگوار است. هر کس حق دارد از خود بپرسد چرا و چگونه است که بزرگترین و طولانی ترین اعتصاب کارگری ایران در یکی دو دهه اخیر از سازمان دادن کمکهای مالی غافل و ناتوان ماند؟ اگر هفت تپه نتوانست وخواست قدمی در این راه بردارد، کی و کجا قرار است طبقه کارگر ایران بر این حفره و ضعف خود غلبه نماید؟

اولا: یک سر سوزن شک و تردید جایز نیست که کمک مالی سازمان یافته از استخوان بندی یک جنبش کارگری و از پایه های تداوم و اعتبار آن بوده و هست. کانال های کمک مالی بخشی از شبکه کارگری و شیفتگان این جنبش است که با هر سکه اهدایی علقه ها و پیوندها و هم سرنوشتی خود را بهم گره میزنند، و هر قدم در این راه ارتباط های محکم تر برای نیازهای مبرم تر همکاری را تقویت میکند و ...

ثانیا: مزخرفات و اتهامات «پول های کذایی گمشده» آنهم نسبت به

جریانها و سازمانهای کارگری فاضلابی است که بند ناف آن از یک طرف به سرنوشت جمهوری اسلامی و از طرف دیگر به سرنوشت منحط ترین اپوزسیون راست گره خورده است. اتهام و پاپوش امروز این حضرات انتقام خون دل آن روزهایی است که این اعتصاب از دل دشواریها و مصافهای غیر قابل باور بیرون آمد، همانها که کاسه کوزه شان بهم خورده است. خیلی آشکار است که فشار امروز بر اعتصابیون هفت تپه خیلی بیشتر از آنکه از طرف ادارات امنیتی حکومت باشد، اساسا و منحصر از جانب مبرهای خود گمارده در ولگردی های کارگر پناهی قلابی آنها است.

سوم: هیچ کس نمیتواند باور کند، نمیتواند قبول کند که اعتصاب هفت تپه و شوش و همه نور چشم های کارگری ما نمیتوانست و شایسته نبود که خود را در حلقه نه فقط اعتصابات بلکه حمایت عملی، مادی و ملموس؛ و در نمایش اقتدار و تعصب و غرور طبقاتی در سراسر ایران قرار بگیرد. طبقه ما، طبقه ای بزرگ و خون گرم اعتصاب هفت تپه در پیکر آن هنوز جریان دارد. اعتصاب هفت تپه علنی و با همه لحظاتی نمیتوانست در دسترس تر از این باشد؛ سوال اینست که چه چیزی و چه کسی میتواند سیل میلیاردها تومان امکانات در انواع اشکال و پوشش به سمت اعتصاب را مانع شود؟

چهارم: در مباحث امروز، اظهارات شخصیت ها و هر گذر به آن اعتصاب نفس ها را از فرط احترام در سینه حبس میکند. مصاف ها و درایت و سازمان یابی آن اعتصاب از درسهای یک انقلاب چیزی کم ندارد. حدس و گمان در مورد انقلاب کارگری در ایران زیاد موردی ندارد، اما برای خود این انقلاب چاره ای نیست جز اینکه زمین و زمان را با کاردانی و حق به جانب در انواع کانالهای اعتماد و همبستگی و همسرنوشتی بهم بدوزیم. این وظیفه بخصوص بر دوش کل جنبش کارگری و احزاب و جریانات کمونیستی و حامی مبارزات کارگری سنگینی میکند.

پنجم و دست آخر اینکه، هفت تپه دارای تشکل کارگری است. هر گونه حسابرسی و توضیح منحصر در حیطه اختیار کارگران درگیر در محل است.

زنده باد سوسیالیسم!

ارکان این حاکمیت پس از برجام چیزی نیست جز ادامه شرایطی که بود. از یکطرف، سونامی بیکاری، فقر، دستمزد نازل، فحشا و تن فروشی، همراه با بی حقوقی همه جانبه انسان و از طرف دیگر طغیان اعتصابات و اعتراضات مردم امیدوار و «زیاده خواه» در ایران!

امروز مسائل اساسی حول این محورها می گردد: طبقه کارگر از ثروت اجتماعی و نجومی که تولید کرده و می کند و در جیب بورژوازی ایران و حاکمیت آن است، سهم خود را می خواهد؛ تبعیض و آپارتاید علیه زنان که نه فقط در استخدام و محیط های کار که در تمام ابعاد اجتماعی با قوت ادامه داشته، باید برچیده شود. سیاست تعقیب، شلاق زدن و حبس رهبران کمونیست و رادیکال کارگری که در لیست سیاه دولت و کارفرما قرار دارند باید منحل شود. بعلاوه و مهم تر از آن کارگران همچنان از حق داشتن تشکلهای واقعی خود محروم اند. بیکارسازی و اخراج کارگران در سراسر کشور رو به گسترش گذاشته است. برای این ارتش ذخیره بیکار هیچ تاملی وجود ندارد، حتی همان بیمه بیکاری ناقص و دم پریده جمهوری اسلامی را هم به طور کامل نمی دهند.

طبقه کارگر و اکثریت جامعه برای تحقق خواسته های خود، برای از بین بردن فقر و فلاکت، در اعتراض به بیکاری و سطح نازل دستمزدها، برای از میان بردن نابرابری، مالکیت خصوصی و کارمزدی، با خشونت و سرنیزه طبقه حاکمه مواجه خواهند شد و از الان در فکر پیروزی در آن نبرد عظیم طبقاتی و اجتماعی است؛ مذاکرات و سازماندهی اقتصاد صبر و دفع وقت محال است انفجار طبقاتی محتوم را به عقب بیاورد. بورژوازی ایران و دولت آن، در یک کمین سیاسی گیر افتاده اند.

در محاصره یک کمین سیاسی...

با بسته شدن درب بازار تنش میان ایران و آمریکا در بالا، تنها تک و ورق جمهوری اسلامی هم از این حاکمیت گرفته می شود. دیگر آمریکایی موجود نخواهد بود که مانع «گشایش اقتصادی» و «ثبات» در ایران شود. دیگر «استکباری» در کار نیست که مردم محروم و مطالبات رفاه و معیشتی آنها را با چماق «تحریم» و «دخالت خارجی» سرکوب و فضا را امنیتی کرد. شرایط سیاسی در ایران و در صفوف طبقه کارگر و مردم تشنه رفاه و آزادی به حدی متحول است که حاکمیت هر دری را می بندد، درب دیگری برای اعلام بی اعتباری نظام در چشم اکثریت مردم محروم جامعه باز می شود. مردم ایران مدت هاست که اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی با برجام و بی برجام، دوست آمریکا یا دشمن آمریکا و ... باید برود!

«حفظ آرامش داخلی» در شرایطی که جامعه دهان باز کرده تا حاکمیت را ببلعد، محال است. محال است که فشار طبقه کارکن و مردم آزادی خواه ایران را که به درست طالبان در افغانستان را از جنس طالبان در ایران می دانند، با مذاکره و بند و بست در بالا تخفیف داد. غیرممکن است که خواست تقسیم ثروت در ایران، خواست اداره شورایی جامعه و زندگی مرفه و انسانی را با برجام و بی برجام به حاشیه برد. رفاه، آزادی، برابری، امنیت و خوشبختی مطالباتی است که روی میز اکثریت جامعه است و اگر قدرت دست طبقه کارگر باشد همین امروز قابل اجراست. دوران «فرصت بیشتر» و «تعامل بیشتر» با این نظام مدت هاست که سپری شده است. انتظار شکفتن اقتصاد و تله «کارآفرینی» کشک است. پایان دادن به چنین بحران عمیقی در جامعه ایران نه در توان جمهوری اسلامی است و نه در حیطه قدرت آن!

قمه کشی یگی از مهره های منفور سلفی

در مریوان

بنا به اخبار رسیده از شهر مریوان، امروز سه شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ در محله «لیلاخیه‌ها» یکی از عناصر لمپن و منفور سلفی ها به اسم ربیبین ناریزاده با قمه ایوب کارگر شرکت حمل مواد غذایی را مورد حمله قرار می دهد. متأسفانه حال ایوب رضایت بخش نیست و در حال حاضر در بیمارستان بسر میبرد. این اولین بار نیست که اوباش سلفی و شخص ربیبین ناریزاده مردم را مورد حمله با چاقو و قمه قرار می دهد و با این وصف افسار این مزدور لمپن همچنان رها است.

جمهوری اسلامی با وجود آگاهی از این وضعیت و باوجود اینکه پرونده اوباشی و قمه کشی این شرور باز است، اما در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی این چاقو کش سلفی و روسا و عوامل آنها تمام افسار رها شده و آزادند. گفته میشود بعد از این ماجرا ربیبین ناریزاده از ترس مردم شهر متواری شده است.

مردم مریوان تجربه مبارزه و تقابل با انواع باندها و دستجات لمپن و مزدور را دارند. تجربه مبارزه و تقابل پیش از چهار دهه با رژیم جمهوری اسلامی

به بهانه سالروز ۲۸ مرداد...

اعلام آتش بس و پذیرش مذاکره رسمی و علنی با «هیأت نمایندگان خلق کرد»، اولین محصول آن توده‌نی محکم بود. با پایان مذاکرات در کردستان، که سیاست رژیم برای وقت خریدن جهت آمادگی برای تعرض مجدد بود، تعرض به انقلاب گسترش سرتاسری پیدا کرد. این بار در کنار حمله به کردستان، تعرض به زنان در ابعاد وسیع، تعرض به مراکز کارگری، انحلال شوراهای مستقل کارگری، تعرض به دانشجویان و بستن دانشگاهها، تعرض به شوراهای دهقانی در ترکمن صحرا و به تعرض به مقاومت در مناطقی مانند بلوچستان، طبق یک نقشه هماهنگ پیش برده شد. برجستگی مقاومت در کردستان به دلیل سازمان یابی یک مقاومت توده ای در عمق شهرها و دست بردن به اسلحه در ابعاد منطقه ای، در مقابل اولین داعش دوران بود.

تاریخ چهار دهه گذشته، تاریخ مقاومت نه فقط در کردستان که در سراسر ایران علیه حاکمیت ضدانقلاب به قدرت رسیده در سال ۵۷، است. اما حالا که به اوضاع امروز و آن روز می نگریم، ادامه آن مقاومت و تبدیل مقاومت به تعرض همه جانبه توده ای، شکل و شمایل جامعه را تماماً و به شکل باورنکردنی تغییر داده است.

در سال های اولیه استقرار «نظام» و شروع بزرگ حاکمیت جمهوری اسلامی، طبق عقل امام، اقتصاد مال خور بود، موزیک مستهجن، شادی حرام و عشق ممنوع بود. نه فقط این، پاسخ لب خندان تیغ بود، جواب چهره شاد اسید بود، مجازات عشق سنگسار و فرد بی دین مفسد فی الارض بود. اطلاق داعش زمان به جمهوری اسلامی نه به قصد توهین، که جهت توصیف عینی آن برای نسلی است که خوشبختانه آن روزها را ندیده است. ایران در آن دوره معین، از نظر نرم و ارزشهایی که به قدرت خون به جامعه تحمیل می شد، به دوران بربریت تاریخ برگشته بود. آن روزهای تاریک گذشت! کسی که جوهر نیروی عبور از آن تاریک سرا را درک نکند، از پتانسیل های این جامعه بی خبر است. ما بارها گفته ایم که این جامعه، محل وقوع تحولات سیاسی مهمی در تاریخ خویش بوده است. تنها انقلاب بورژوازی نوع غربی در منطقه را، این جامعه، در دوران مشروطه تجربه کرده است! این جامعه، بزرگترین انقلاب قرن بعد از انقلاب اکتبر را هم تجربه کرده است. کسی که با اشاره به تحولات انقلابی سال ۵۷، جمهوری اسلامی را به ما نشان میدهد، به اشتباه و یا به عمد، فراموش می کند که قبل از تثبیت جمهوری اسلامی، جامعه ایران به مدت نزدیک به پنج سال، پر جنب و جوش ترین سالها در فضای سیاسی را تجربه کرد و آشفشانی نیمه خاموش بود. مهمترین همه، برای بار چندم در تاریخ اجتماعی خود، فراری دادن یک شاه و سرنگونی حاکمان جبار را در تاریخ خویش ثبت کرد. این تجارب تاریخی، زمینه یا پشتوانه تحولاتی است که ایران دوران مدرن به خود دیده است. توقع بالای مردم از زندگی، تسلیم ناپذیری در سیاست و سهولت دست بردن به اراده سازمان یافته خویش، دست بردن به راه حل های انقلابی برای پائین کشیدن سلطه استبداد، عدالتخواهی سیاسی، جزو داده های تاریخی و در روانشناسی اجتماعی این جامعه عجین است. «می میریم، می میریم، ذلت نمی پذیریم»، به هیچ وجه یک شعار اتفاقی نیست؛ عدم قبول زور به عنوان یک پدیده سیاسی، نه محصول این دوره، که یک داده تاریخی و جزو منتالیته عمومی این جامعه است. اگر دانشجو در متن حاکمیت یک استبداد سیاسی، پرچم سرخ یک جنبش سوسیالیستی را به اهتزاز در می آورد، اگر کارگر برای اولین بار در غیبت انقلاب و بحران انقلابی، مجمع عمومی سازمان میدهد، شورا می سازد و در متن آن افق سازماندهی شورایی به دست معلم و بازنشسته و آن دیگری میرسد، اگر زیر سلطه

منشا و بانی همه نا امنی و شرارت را دارند. این مردم بی گمان این سلفی شرور و تبهکار را همراه هر باند و بانی نا امنی را ادب خواهند کرد. مردم مبارز و آزادیخواه مریوان نخواهند گذاشت سلفیها و هیچ باند قومی و مذهبی تبهکاری محل کار و زندگی مردم شهر را ناامن کند. مردم مریوان روسا و عناصر اصلی باند شرور و چاقو کش سلفی را میشناسند. آنها کسانی که عناصر چاقو کش و جانی را با پول و امکانات برای مزاحمت و ایجاد امنی شهر را تحریک میکنند راحت نخواهند گذاشت و ادبشان خواهند کرد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن آرزوی بهبودی فوری برای ایوب در همانحال به جوانان و مردم آزادیخواه فراخوان می دهد که نگذارند سلفیها شهر را به میدان لمپن بازی و چاقو کشی خود تبدیل کنند. مردم باید خود راسا این وحوش اسلامی را افسار و در قفس کنند. در ضمن روسا و مسئولین حکومت مسئول مستقیم این وضعیت هستند، آنها افسار سلفی ها را رها کرده اند که موی دماغ مردم آزادیخواه و برابری طلب شوند. آنها باید به عنوان حاکمین بر شهر در مقابل مردم پاسخگو باشند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست(خط رسمی)

۲۵ مرداد ۱۴۰۱

همین حاکمیت داعشی، ازدواج سفید به یک داده اجتماعی در کلان شهرهای این جامعه تبدیل میشود، بخشا به این دلیل است که این جامعه و این مردم، تاریخ پرشوری از نبرد برای یک زندگی شایسته تر پشت سر دارد.

امروز وقتی تناسب قوای آن دوران ها با امروز را مقایسه می کنیم، تفاوت آنقدر زیاد است که به سختی میشود باور کرد که این جامعه همانی است که در آن، بعضی، عکس خمینی را در ماه نشان هم میدادند.

تفاوت امروز با آن روزها غیرقابل تصور است؛ آن روزها رژیمی بود که با تکیه بر توهم بخشی از جامعه، عربیان و شمشیر بدست تعرض می کرد. امروز نه فقط توهمات عقب مانده ترین های تاریخ به آن ریخته است، حتی نزدیک ترین «پاران امام»، پشت سر هم به صف مخالفین نظام نقل مکان می کنند.

اگر بورژوازی در ایران در طول سالهای گذشته تجارب زیادی کسب کرده است، برای طبقه کارگر و توده محروم هم این واقعبیت قابل رویت است که تغییر صرف نظام پاسخ تمام درد امروز نیست. سالهای گذشته، تعداد جوامعی که حاکمیت های شان تغییر کرد و نتیجه چیز دندان گیری نشد، کم نیست. مهمتر از این، تجربه انقلاب گذشته نشان داد که بدرقه کردن نظام حاکم در غیبت شکل دهی به یک نظام جدید توسط خود طبقه کارگر و توده های محروم، مطلقاً نمی تواند زندگی شادتری فراهم کند. به همین دلیل، سازماندهی جنبش مستقل خویش، سازماندهی ابزار اعمال قدرت مستقیم، و شکل دادن به نوع حاکمیت خویش در متن مبارزه همین امروز، کاری فوری تر، ضروری تر و حیاتی تر از طراحی یک سرنگونی ساده است.

همانطورکه شاهدیم، اپوزیسیون راست، مشغول پیشبرد طرحی است که در آن، کلیت ساختار نظام فعلی باقی بماند. نزد آنها، بوروکراسی، نظامی، اعم از ارتش و سپاه و اطلاعات و نیروهای سرکوب، باید مانند تا تاملین «آرامش» بعدی برای سازماندهی یک شکل دیگر حاکمیت طبقاتی، در لباس عوامفریبانه متفاوتی، تضمین شود. در مقابل، از نظر طبقه طبقه کارگر و توده ستمدیدگان، جای رژیم بعدی را نظامی باید بگیرد که در آن، استعمار طبقاتی و فقر مادی و معنوی ریشه کن شود. ضرورت و اهمیت سازماندهی شورایی جامعه و سازماندهی ارگانهای اعمال قدرت توده ای، برای تضمین همین امر است.

کردستان و مقابله آن با جمهوری اسلامی اگر جای ویژه ای در تاریخ تقابل انقلاب و ضد انقلاب در ایران پس از قیام بهمین دارد، تنها و تنها بدلیل شکل گرفتن یک مقاومت توده ای، بدلیل شکل دادن به ابزارهای اعمال اراده توده ای، شکل دادن به شوراهای محلات برای سازمان دادن مقاومت مسلحانه توده ای و شکل دادن به جنبشی سازمان یافته و اجتماعی بود که آماده عقب راندن تعرض نظامی نیروی سرکوب رژیم بود. حمله ۲۸ مرداد به کردستان آغاز شکل دادن به این مقاومت توده ای و گسترده در کردستان بود.

در مقابل تعرض ۲۸ مرداد، اگر تصمیم به یک مقاوت قهرمانانه و یکدست، بهترین پاسخ دم دست آن روز بود، امروز سازماندهی پر قدرت نه فقط برای سرنگونی بلکه برای تحولات پس از سرنگونی و برای تضمین پیروزی نهایی، پاسخ است. اگر مقاومت مردم آزادیخواه در ایران در مقابل ضد انقلاب اسلامی از سال ۵۷ تا به امروز بدون انقلاب بورژوازی مشروطه و ... ممکن نبود. جنبش امروز مردم آزادیخواه برای به زیر کشیدن بساط این جانیان بدون اتکا به تجربه انقلاب ۵۷ و سناریوی بورژوازی جهانی برای به شکست کشیدن آن، به تجربه مقاومت مردم آزادیخواه و انقلابی از دانشگاهها و کارخانه ها تا مقاومت توده ای و مسلحانه در کردستان، ممکن نیست. تحولات و تاثیرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روحی آن مقاومت تاریخی روی جامعه را با هیچ درجه از سرکوب و ... نمیتوان محو کرد.

طبقه کارگر و در صف مقدم آن کارگران صنعتی از فولاد و معادن تا نفت، گاز، پتروشیمی ها و... در اعتصاب و اعتراضشان و در جنگ برای آزادی و برابری، پایه های نظام کاپیتالیستی و حکومت اسلامی آن را به چالش می کشند. در مقابل این صف، بورژوازی ایران و حکومتش با زندان و پرونده سازی، با توجیه فقر و گرسنگی و فلاکتی که تحمیل کرده است و با وعده های توخالی، با سرداندن طبقه کارگر و محرومین به بهانه تحریم ها و با وعده بهبود برجام و پایان تحریم و با رابطه با چین و قرارداد با انواع کشورها و فرج اقتصادی سعی در تحمیل حاکمیت خود برای دور و زمان دیگری دارد.

اعتراضات ایندوره با وجود فضای سنگین امنیتی، با وجود تلاشهای متنوع نظام در ایجاد ارباب و با وجود دستگیریها و پاپوشدوئیها در سطحی سراسری در جریان است. علیرغم وعده و وعیده، علیرغم تلاش برای سرداندن مردم به بهانه برجام و رابطه اقتصادی با چین و وعده فرج اقتصادی، مردم بدون توهم به بازیهای نظام با قدرت در حال مبارزه هر روزه هستند. سراسری بودن، متنوع بودن طیفهای در حال اعتراض و مبارزه و با جریزگی یکی از شاخصهای مهم و اصلی آن است.

با عمیقتر شدن اعتراضات و اجتماعات، با همه جانبه و سراسری شدن تحریکات اجتماعی، با آمدن قدرتمند طبقه کارگر خودآگاه، با وجود طیفی وسیع از کمونیستها، آزادیخواهان و فعالین مختلف و با تنوع بسیار اقشار و طیفهای مختلف در میدان، یکی از فوری ترین نیازهای چنین تحرک از پایینی پیوند خوردن این سطح از اعتراضات و اعتصابات گسترده با هم است. اتحاد و هماهنگی مبارزات، اعتصاب و اعتراضات چه در خیابان و چه در محیط کار و کارخانه روند گسترش و رادیکالیسم و قدرتمندتر شدن آن را تسریع و در همانحال مقاومت و تقلاهای رژیم حاکم را برای سرکوب و ایجاد ارباب با مانع قوی روبرو خواهد کرد. دور اخیر دوره عبور از ماشین و سیستم ارباب نظام بوده و در همانحال دوره روشن بینی و متوهم نبودن مردم به تلاشهای حاکمیت برای تغییر ذهنیت جامعه برای بقای خود بوده است.

امروز برای هر معترضی، برای هر انسان آزادیخواهی و برای هرکسی که بخواهد آزادی، رفاه و برابری و ایجاد یکی زندگی در شان انسان امروزی باشد، چاره ای جز تلاش برای سرنگونی نظام موجود نگذاشته است. این رژیم باید نابود شود تا رفاه، زندگی انسانی، امنیت و برابری برپا شود، به ذهنیت عمومی جامعه تبدیل شده است. در هر تک مبارزه ای و امید به پیروزی آن، نقشه سرنگونی نظام کاپیتالیستی حاکم نهفته است. این حکم بر متی بیشتر از چهاردهه حاکمیت نظام موجود و ناکارآمدیش در جواب به کوچکترین نیازهای جامعه، به داده و ذهنیت آن تبدیل شده است. سرنگونی نظام شرط اول و آخر برای احقاق نیازهای انسانی امروز این جامعه با اقشار مختلفش است. این پدیده است که جامعه را در تب و تاب یک تحرک بزرگ قرار داده و همانند یک آتشفشان فعال که هر بار از گوشه ایی از آن آتش اعتراض و مبارزه فوران می کند. این انفجار انقلابی بی گمان روی خواهد داد و باید به پیشواز آن رفت و برای آن آماده شد. برای پیشروی این جنبش از پایین، برای به پیروزی رساندن چنین سطحی از اعتراض متنوع و سراسری و برای پیوند خوردن و متحد کردن آن وظایف سنگینتری روی شانه های کمونیستها و فعالین اجتماعی، آزادیخواه و برابری طلب در محیط کار و زندگی قرار می دهد. فعالین سوسیالیست و فعالین و دست اندرکاران عرصه های مختلف و مبارزین تیز بین و آینده نگر فعال در اقشار مختلف، بی گمان تلاش خواهند کرد روند متحد کردن، همبستگی و پیوند این مبارزات وسیع، سراسری و در جریان را در بستری مشترک و در هماهنگی با هم متحد کنند. این نیاز فوری جنبش و تحرک از پایین و در جریان جامعه است. برای سازمان دادن یک حرکت عظیم هماهنگ و متحدانه جامعه کمونیستها و رهبران عملی خودآگاه باید نقشه اتحاد و پیوند مبارزات را در سطح سراسری ممکن نمایند.

در نهایت باید تاکید کرد بدون دخالت یک حزب کمونیستی چنین سطحی از اتحاد و هماهنگی ممکن نخواهد شد. کمونیستها و فعالین عملی خودآگاه و سوسیالیست با متشکل شدن در حزب کمونیستی خود لولای اتحاد و پیوند مراکز اعتراضی و اعتصابی خواهند شد. ابزار پایه ایی دخالت در قدرت سیاسی و همچنین ایجاد اتحاد و همبستگی اقشار مختلف جامعه برای کمونیستها حزب سیاسی و متحزب شدن در آن است. یکی از وظایف مبرم و گریزناپذیر کمونیستها برای به پیروزی رساندن جنبش و تحرک جامعه برای رفاه و زندگی بهتر متشکل شدن در حزب کمونیستی خود است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) به عنوان بخش متحزب کمونیسم در ایران بی شک پای ثابت چنین تلاشی خواهد بود. حزب تلاش خواهد کرد، حزب همه کمونیستها و آزادیخواهان و مبارزینی باشد که برای رفاه و آزادی و زندگی انسانی مبارزه می کنند. در حزب خودتان متشکل شوید و این حزب را ابزار دخالتگری خود برای به پیروزی رساندن جامعه معترض و انقلابی کنید.

زنان در افغانستان در سنگر اول جدال بر

سر آزادی و برابری

مناسبت نخستین سالگرد به قدرت رسانیدن دوباره باند تروریستی طالبان در افغانستان توسط دولت آمریکا، صدها نفر از زنان این کشور دیروز شنبه ۲۲ مرداد تظاهراتی وسیع در شهر کابل علیه این باند جنایتکار برگزار کردند. «ما زنان بیداریم، از تبعیض بیزاریم»، «می مانیم، می سازیم، طالبان رفتنی است»، «کار، نان، آزادی» و «عدالت، عدالت، خسته ایم از جهالت» از جمله شعارهای زنان در این تظاهرات بود. زنان معترض گفته اند که حاکمیت طالبان بر افغانستان مردود و باطل است و در ادامه اعتراض به «بی عدالتی، جنایت و اسارت علیه زنان» از سوی طالبان در یکسال گذشته تاکنون به خیابان آمده اند.

این اعتراضات با سرکوب نیروهای طالبان روبرو شد. اوباش طالبان با چوب و شلاق تلاش کردند صف متحد تظاهرات زنان را در هم بشکنند و زمانیکه ناتوان از سرکوب زنان جسور و معترض شدند، دست به شلیک رگبار هوایی زدند. در یکسال گذشته با سرکار آوردن دوباره باند طالبان از جانب دولت آمریکا، فضای سیاسی و اجتماعی در افغانستان یک دم از کشمکش و تقابل آشکار مردم تشنه آزادی و برابری، بویژه زنان آزادیخواه علیه باند آدمکش و زن ستیز طالبان دور نبوده است. تلاش عبث برای مسدود کردن فضای اجتماعی به روی زنان و قصد برپا کردن «آینده تاریک در افغانستان» از سوی نیروهای طالبان، با مقاومت گسترده زنان آزادیخواه در افغانستان و حمایت جهانی از مبارزات آنان علیه ارتجاع طالبان عجین بوده است. سیاست زن ستیز و ارتجاعی طالبان در بستن دروازه کار و آموزش به روی زنان، سوزاندن کتاب های درسی و شکستن قلم ها و منع تحصیل دختران در افغانستان و فقر و فلاکت تحمیل شده به مردم این کشور از جانب این باند عصر حجر، تاکنون نتوانسته است جامعه افغانستان و بشریت متمدن را به سکوت و رضایت دادن به حاکمیت طالبان در این کشور بکشاند. زنان در افغانستان در صف مقدم مقاومت و تلاش برای جaro کردن باند تبهکار طالبان از افغانستان و مبارزه برای دسترسی به یک زندگی آزاد و انسانی در این کشور هستند.

مبارزه و مقاومت گسترده و رادیکال زنان در برابر ارتجاع اسلامی طالبان در افغانستان با مبارزه بیش از چهار دهه زنان آزادیخواه در ایران علیه آپارتاید جنسی حاکمیت جمهوری اسلامی عجین است. هیچ مرز ساختگی و دروغینی نمی تواند هم سرنوشتی و قفل شدن مبارزه مشترک مردم این دو خطه علیه ارتجاع اسلامی حاکم و باندهای مذهبی تبهکار در هر دو کشور را از هم جدا کند. زنان، طبقه کارگر و آرمانهای پیشرو در جامعه ایران یک دم از پشتیبانی و حمایت خود از مبارزه زنان در افغانستان علیه طالبان در یکسال گذشته تاکنون غافل نشده است. در کنار دم و بازدم این مقاومت و مبارزه اجتماعی و نیرومند برای رهایی از بختک ارتجاع و فلاکت در افغانستان، شاهد مبارزه آشکار و سراسری زنان ایران و مردم آزادیخواه برای رفاه و آزادی علیه حاکمیت جمهوری اسلامی بوده ایم. به چالش کشیدن نمادهای زن ستیز و قانون توحش «آپارتاید جنسی» در دو سوی مرزها، یک مبارزه گسترده و آشکار را در دستور رهبران و پیشروان آگاه مبارزات مردم، بویژه در عرصه مبارزه برای برابری زن و مرد قرار داده است. امروز حمایت های گسترده مردم ایران از مبارزات مردم در افغانستان علیه طالبان، به یک داده جامعه ایران تبدیل شده است. هر جنب و جوش رادیکال و معترضی در آنسوی مرزها بلاواسطه به امر آزادیخواهی و برابری طلبی در داخل ایران و به مردم ایران مربوط است. این جنبشی است که قدرت خود را نه از تن دادن به دنیای تاریکی که حاکمان قومی- مذهبی برای ما ساخته اند که از متحدین خود، از مردم رادیکال و تشنه رفاه و برابری از خیابانهای کابل و تهران و بغداد تا میادین اعتصاب و اعتراض در قلب کشورهای اروپایی میگیرد. حزب حکمتیست (خط رسمی) خود را در کنار زنان آزادیخواه و جسور در افغانستان برای جaro کردن ارتجاع طالبان میداند. ما از هر تلاشی برای نیرومند کردن این جنبش و برای تقویت این مبارزه چه در افغانستان و چه در ایران و در هر کجای دنیا دریغ نخواهیم کرد. سرنوشت مشترک ما زنان، ما مردم آزادیخواه در دو سوی مرزهای ارتجاع به هم گره خورده است و نیازی به اثبات آن نیست. این جنبشی است که نطفه های خوشبختی، رهایی و آزادی مردم، بویژه زنان در منطقه را در خود دارد. به زیر کشیدن گانگسترهای مذهبی و حاکمان مرتجع اسلامی، چه در ایران و چه در افغانستان گام اول در روند تحکیم آزادی، رفاه و برابری زن و مرد است.

پیروز باد مبارزات زنان پیشرو در افغانستان علیه طالبان

زنده باد همبستگی با مبارزات آزادیخواهانه مردم در افغانستان

زنده باد آزادی، برابری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ اوت ۲۰۲۲

مگر نظام «پادشاهی» هیچوقت از ایران رفته است؟!

فواد عبداللہی

اخیرا فرح پهلوی در جریان سفر خود به مصر برای شرکت در مراسم سالروز مرگ محمد رضا پهلوی، طبق همیشه با رسانه‌های حاشیه‌ای که هرساله در این مراسم شرکت می‌کنند، این بار با یک روزنامه ایتالیایی به اسم «لیبرو»، مصاحبه داشته است و کمافی‌سابق در مورد نوستالژی دوران سلطنت و مقایسه آن با دوران جمهوری اسلامی به گفتگو پرداخته است. در واقعیت امر نکته تازه‌ای در صحبت‌های فرح پهلوی یافت نمی‌شود. فرح پهلوی در مصاحبه اخیر خود همان حرف‌هایی که در طول این چهل‌سال، پیرامون شرایط «خوش و خرمی» که شاه برای مردم فراهم کرده بود، را تکرار کرده است. اما نکته قابل توجه نه در متن مصاحبه فرح پهلوی که در تبلیغات و داد و بیدادی است که طرفداران نظام سرنگون‌شده سلطنت براه انداخته‌اند. از رسانه‌های فارسی‌زبان نان به نرخ روزخور تا جریانات راست در اپوزیسیون ایران، ناگهان همه فرح پهلوی را وکیل‌وصی مردم کرده‌اند و بساط سینه‌زنی برای بازگشت نظام سلطنتی به ایران را پهن کرده‌اند تا شاید با سیلی صورت خود را سرخ نگه دارند و در بازار کساد امروزشان مانع فرو رفتن بیشتر در باتلاق شوند. توحش، کثافت‌کاری‌ها و ظلم بی‌حد و اندازه جمهوری اسلامی، دیوار خوبی

برای مخفی شدن پشت نظام سلطنت و دیکتاتوربازی نیست. گویا جناب «بایدن» در مذاکره با جمهوری اسلامی به این موجودات عتیق و ارتجاعی در اپوزیسیون راست «خیانت» کرده است و همه به فکر افتاده‌اند که برای ماندن در صحنه، مصاحبه فرح پهلوی را برجسته کرده و مانند حزب‌اللهی‌های دهه ۶۰ که عریده می‌کشیدید: «حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله»، این‌ها هم دوران «پرافتخار پهلوی» و «شاه» خود را در بوق کنند.

برای هر رهگذری معلوم است که اپوزیسیون راست، با این تحریکات و تحرکات آب در هاون می‌کوبد. هیچ‌کس در آن مملکت ندیده است که مطالبه کارگران ایران، از نفت و پتروشیمی‌ها تا هفت‌تپه و فولاد و هیکو و تا صفوف معلمان آزادی‌خواه و بازنشستگان و جنبش رهایی زن، در جایی با علم و کتل «بازگشت نظام سلطنتی» به ایران، به اهتزاز درآمده باشد. همه‌جا صحبت بر سر رفاه و آزادی و برابری است؛ همه‌جا صحبت بر سر آزادی تشکل، احزاب و سازمان‌های کارگری است؛ صحبت بر سر «اداره شورایی» یک جامعه ۸۰ میلیونی است؛ تمرکز مردم محروم روی تقسیم ثروت و برانداختن نظام کارمندی است؛ صحبت بر سر قدرت طبقه کارگر و حاکمیت این طبقه است؛ نگاه‌ها به سوسیالیسم و آلترناتیو شورایی است. مردم در ایران انتخاب خود را کرده‌اند. چپ و آزادی‌خواهی را انتخاب کرده و نوستالژی بازگشت به دوره استبداد پهلوی را ندارند. هر انسان آزادی‌خواه و متمدنی می‌بندد که اپوزیسیون راست و سلطنت‌طلبان و حزب‌اللهی‌های بازار آزاد، این روزها آه ندارند با ناله سودا کنند. نزد مردم ایران نظام مستبد و «الهی» پادشاهی هیچ‌وقت از ایران نرفته است. آن یکی تاج سرش بود و «ماینده خدا» بود، این یکی عمامه به سر «ماینده خدا» است. مشکل اما این‌جاست که دیگر نه فقط نمایندگان خدا روی زمین که خود خدا هم زیادی است و توسط مردم آزادی‌خواه ایران زیر سوال است. مردمی که نظام سلطنت را بخاطر سرکوب، خفقان و زندان، سرنگون کردند محال است با یورش به بنیادهای حاکمیت اسلامی و سرنگون کردن آن، تن به گذشته‌پرستی و بازگشت به نظام شاهی بدهند. این هیاهو رقت‌انگیز است. کمی تفکر و تعقل هم بد نیست!

می‌گیرد و هر روز در گوشه ای از جهان جان کسی و یا بخشی از مردم عادی، از کودکان در مدرسه و ... را می‌گیرد، در مرحله اول نتیجه مستقیم اوضاعی است که در آن نفرت قومی، مذهبی و نژادی نه فقط توسط دستگاه‌های تبلیغاتی رسمی دامن زده می‌شود، که توسط دول مختلف سازمان می‌یابد. زیر سایه این کشمکش‌ها علاوه بر نقش دولتها، زمینه برای عروج انواع باندهای جنایتکار و آدم کش فراهم شده است.

اگر دیروز ترور در ایران، عراق، افغانستان، رواندا، سوریه، لیبی، فلسطین، لبنان و ... به‌عنوان بخشی از سوخت و ساز طبیعی آن جوامع قلمداد می‌شد، اگر دیروز دامنه فتوای مرگ و ترور مخالفین سیاسی از طرف مراجع مرتجع مذهبی و ... به کشورهای «اسلام زده» محدود می‌شد، امروز در سایه تخصصات جهانی و نقشه دولتهای بزرگ برای تامین منافع سیاسی و نظامی خود و به قیمت تباهی زندگی مردم جهان، دامنه آن دیگر فقط به افریقا و خاورمیانه محدود نیست. امروز جنایت و ترور دولتی و غیر دولتی به عنوان سیاست دولتهای بزرگ و متحدین منطقه ای و محلی آنها به بخشی از چهره جهان و زندگی مردم تبدیل شده است. بدون تردید طبقه کارگر و بشریت متمدن در جهان برای پایان ترور و جنایت، برای پایان جنگ و خانه خرابی و آوارگی، برای ریشه کن کردن دشمنی های کور ملی و مذهبی و نژادی و ... راهی جز پایان دادن به نظام کاپیتالیستی و افسار کردن دولتهای بورژوازی که عاملین و مسببین اصلی دنیای پر از جنایت و ترور و فقر و محرومیت هستند، نیست.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)، حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کرستان ضمن محکوم کردن این عمل تروریستی، مردم را به سد بستن در مقابل تمام نیروها و قدرتهایی که ترور سازمان یافته را ابزاری برای حل کشمکشهای خود، امتیازگیری و ... میکنند، دعوت میکنند. نباید اجازه داد سلمان رشدی و سلمان رشدی ها قربانی این بازی جنایتکارانه شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری کرستان
تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۳ اوت ۲۰۲۲

در مورد حمله تروریستی به سلمان رشدی

سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی که از جانب خمینی فتوای قتلش صادر شده بود، روز جمعه ۱۲ اوت در یک مراسم کتابخوانی در «انستیتوی شاتوکوا» در نیویورک مورد حمله یک مرد قرار گرفت و با ضربات چاقو بشدت زخمی شد. طبق اخبار خبرگزاری‌ها «اندرو ویلی»، سخنگوی سلمان رشدی نیز در این ماجرا زخمی شد. حمله به رشدی توسط مردی ۲۴ ساله به اسم «هادی مطر»، اهل فیروبیو در ایالت نیوجرسی صورت گرفت که در حال حاضر در بازداشت است.

حمله تروریستی به سلمان رشدی تنها یک مورد از دهها و صدها حملات تروریستی است که روزانه اتفاق می‌افتد. دامنه ترور و کشتار انسانها به اشکال مختلف، کشتار مخالفین و حتی کودکان و مردم عادی به سراسر جهان کشیده شده است. به این اعتبار دنیا به جهنمی تبدیل شده است که هیچ نقطه ای از آن امن نیست. جهانی که میتوان بر پایه نفرت قومی، مذهبی و نژادی جوانان بیگناه، فقر زده و مستاصل را به عاملین قتل و ترور نیروهای ارتجاعی تبدیل کرد. بی شک حمله به سلمان رشدی کار هر فرد و جریان و دولتی باشد، عملی جنایتکارانه، مورد نفرت بشریت متمدن و محکوم است.

اما امروز در سایه شکلگیری قطبهای بزرگ سیاسی و نظامی، در سایه جنگهای ویرانگری که در سه دهه گذشته به بشریت تحمیل کردند و نقش دولتهای بزرگ در سازمان دادن انواع باندهای ملی، مذهبی، نژادی و گانگسترهای نظامی و به عنوان نیروی نیابتی آنها در خدمت اهداف سیاسی و اقتصادی خود، جهان به میدان ترور و کشتار و جنایت رسمی و غیر رسمی، دولتی و غیر دولتی تبدیل شده است. آنچه امروز علیه سلمان رشدی انجام

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena